

دیدار و گفتگو با دکتر ابراهیم یزدی

به زورچوب و چماق دیگر نمی‌توان حکومت را اداره کرد!

8- تحولاتی که طی سال‌های اخیر در صفوف مبارزان و سیاسیون داخل کشور به وقوع پیوسته و برخی جابجائی‌های جدی در صفوف آنها را موجب شده است؛ 9- موقعیت گرایش‌های چپ در ایران امروز؛ 10- ضرورت حل پاره‌ای اختلاف دیدگاه‌ها میان سازمان‌ها و احزاب سیاسی داخل کشور؛ 11- ضرورت پایان بخشیدن به موانع تبلیغاتی مخالفان رایزنی، اتحاد و همکاری با جریان‌های چپ ایران؛ 12- زمینه‌های پایان بخشیدن به برخی اختلاف دیدگاه‌ها در میان نیروهای ملی و ملی‌مذهبی مستقر در داخل کشور.

این دیدار، در مجموع و در نوع خود، در محیطی متکی به احترام متقابل نسبت به دیدگاه‌های دو طرف و تأکید بر اشتراک نظرات سیاسی پیرامون شرایط کنونی جامعه، که می‌تواند زمینه ساز همکاری‌ها و همفکری‌های گسترده‌تر باشد، انجام شد.

آنچه را در زیر می‌خوانید، نکاتی است از مجموعه مطالبی، که از سوی دکتر ابراهیم یزدی و همراهان وی، در اعلام نظرات خود، در برابر مطالب و مسائل مطرح شده از جانب هیأت نمایندگی "راه توده" بیان شد!

- همان‌گونه که اطلاع دارید، راه توده، در آستانه برگزاری انتخابات با انتشار اطلاعیه‌ای، مواضع صریح خود را پیرامون این انتخابات و ضرورت حضور فعال در آن اعلام داشت. به پیوست این موضع‌گیری، ما تحلیلی هم از اوضاع و شرایط کنونی ایران منتشر ساختیم و دلائل خویش را در تشریح اینکه چرا و به چه دلیل "انتخابات پنجمین دوره مجلس اسلامی در شرایطی متفاوت با دوره‌های گذشته انجام می‌شود"، منتشر ساختیم. شاید بتوان گفت، که "را توده" بعنوان نشریه‌ای که در خارج از کشور منتشر می‌شود، اما عمدتاً متکی به نظرات رسیده از داخل کشور و حوادث درون کشور است، یگانه نشریه‌ای بود، که موضوعی این‌گونه صریح و بی‌خدشه را در رابطه با انتخابات اعلام داشت. البته در این زمینه فشارهای جانبی قابل توجهی به ما

• نهضت آزادی عقیده دارد، که بخشی از آن آرائی که به صندوق‌ها ریخته نشد و بخشی از آرائی که به لیست موافق اسلامی و روحانیت همسو با آن داده نشد، متعلق به نهضت است.

• حکومت اگر یقین داشت، که ما در انتخابات رای نخواهیم آورد، کاندیداهای ما را مرحله به مرحله حذف نمی‌کرد.

• نهضت آزادی اعتقاد ندارد، که می‌توان تفکر چپ غیرمذهبی را در ایران ریشه‌کن کرد و یا ریشه‌کن شده است. با این واقعیت نمی‌توان به گونه‌ای روبرو شد، که در گذشته روبرو شدند!

دکتر "ابراهیم یزدی"، وزیر خارجه دولت موقت مهندس مهدی بازرگان و دبیرکل "نهضت آزادی ایران" اخیراً برای شرکت در یک کنفرانس پژوهشی پیرامون "اسلام"، که در کشور آلمان برپا شده‌بود، به این کشور سفر کرد. برخی از اعضای هیأت رهبری نهضت آزادی ایران نیز در این سفر دکتر ابراهیم یزدی را همراهی می‌کردند.

هیأت نمایندگی "را توده" با بهرگیری از این موقعیت و با هدف برخی تبادل نظرها پیرامون اوضاع کنونی جامعه ایران، با دکتر ابراهیم یزدی و همراهان وی دیدار و گفتگو کرد. محور این دیدار و گفتگو بر مبنای مسائل زیر قرار داشت:

- 1- ارزیابی نتایج بدست آمده از انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی؛
- 2- تأثیر نتایج واقعی این انتخابات بر روند حوادث آینده؛
- 3- انعکاس نتایج غافلگیرکننده مرحله اول انتخابات در مجموعه حکومت و اپوزیسیون آن در داخل کشور؛
- 4- دستاوردهای نهضت آزادی ایران از سیاست شرکت در انتخابات؛
- 5- رشد واقع بینی‌ها در اپوزیسیون خارج از کشور؛
- 6- زمینه‌های موجود برای شرکت در انتخابات میان دوره‌ای و انتخابات ریاست جمهوری؛
- 7- تغییر آرایش‌های سیاسی در حکومت، پیرامون و خارج از آن؛

مردم در برابر آن، خود به خود به آن تردیدها هم خاتمه داد. اینکه تفسیر می‌کنند، که حکومت بر اثر فشارهای خارجی در ابتدا و در جریان تثبیت نام‌کنندهاها، تن به عقب‌نشینی‌هایی داد و یا در ابتدای کار و با اطمینان از پیروزی‌اش، امکان شرکت جریان‌های سیاسی دیگر در انتخابات را هم پذیرفت، همه واقعیت نیست. البته اینکه اوضاع جهانی و بویژه موضع‌گیری‌های جامعه اروپا در این زمینه موثر بوده صحیح است، اما پیش و بیش از همه، شرایط و اوضاع خود ایران این سیاست و در حقیقت عقب‌نشینی را به حکومت و انحصارطلب‌های حاضر در آن تحمیل کرد. شما دیدید که در آستانه دور اول انتخابات، چه اخباری از پشت صحنه به روی صحنه آمد و صف آرایی‌ها چه اشکالی به خود گرفتند. حتی در این صف بندی‌ها نیز بنظر من شناخت گرایش‌های مردم و منطبق سازی خود با آن سهم داشت. آنها که زودتر فهمیدید اوضاع چه گونه است و مردم نسبت به حکومت چه فکر می‌کنند، صف خود را از آنها که نمی‌خواهند، نمی‌توانند و یا منافعشان اجازه نمی‌دهد واقعیات را ببینند، جدا کردند و دیدیم که این جدائی چندان بی‌حساب هم نبود و مردم هم از آن چگونه استقبال کردند. می‌خواهم بگویم، که همه اوضاع و احوال را باید در نظر داشت.

- بنابراین برای مرحله دوم انتخابات و همچنین انتخابات ریاست جمهوری، اگر شرایط کنونی در کشور ادامه یابد و حوادث جدیدی روی ندهد، تحلیل نهضت آزادی برای شرکت در انتخابات و یا کمک به کارزار انتخاباتی به سود این یا آن کاندیدا و یا گروه‌بندی سیاسی نباید تغییر کند؟ البته این در حالیست که صحنه‌سازی‌ها، فشار به مردم، تشدید جو رعب و وحشت، که در فاصله دو مرحله انتخابات در ایران شروع شد، همچنان جریان دارد. منظورمان همان مبارزه با "لیبرالیسم" یا در حقیقت مبارزه با جنبش رو به رشد آزادیخواهی است که به نظر ما حکومت چون نمی‌تواند مستقیماً آنرا عنوان کند، پشت شعار مبارزه با لیبرالیسم پنهان شده‌است. این در حالیست که خود حکومت در این سال‌ها مدافع و مجری لیبرالیسم اقتصاد سرمایه‌داری بوده و هست. همین جمعیت مولفه اسلامی که حالا بر همگان معلوم شده، یک حزب تمام عیار و سراسری در کشور است بخشی از روحانیون مملکت را هم تحت رهبری دارد، خود به اعتراف رهبرانش، نظیر مهندس مرتضی‌نوی، حاجی حبیب‌الله عسگر اولای، مهندس باهنر و دیگران طرفدار شتاب بخشیدن به خصوصی سازی و اجرای سریع‌تر لیبرالیسم اقتصادی هستند. بخش دیگر این کارزار، که انحصار طلبان قشری در حکومت خیال دارند آنرا تا پایان انتخابات ریاست جمهوری ادامه دهند، همان مبارزه برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها و یا در حقیقت مقابله با جنبش دانشجویی برای آزادیخواهی و عدالت طلبی است. جلوگیری از تحرك دانشجویان در طی دو انتخابات پیش رو، هدف تمام صحنه آفرینی‌های اخیر برای باصلاح انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها و تصفیه اسلامی آنهاست. ما در این زمینه مطالبی را متکی به گزارش‌های دریافتی از داخل کشور، در "راهنوده" منتشر ساخته‌ایم که حتماً مطالعه کرده‌اید.

دکتر یزدی- همینطور است. البته رویدادهای ماه‌های اخیر، جابجائی‌های سیاسی در حکومت و حاشیه حکومت، رایزنی‌هایی که بین ما و برخی گروه‌بندی‌ها جریان دارد، موضع‌گیری‌های جریانات شکست خورده در انتخابات اخیر، نظیر "جمعیت مولفه اسلامی" همه اینها باید در نظر گرفته شود و در

وارد آمد، اما واقعیت همیشه برتر از جنجال‌های نوبتی است. خوشبختانه نتایج دور اول انتخابات، مقاومت مردم در برابر جریانات قدرتمند حکومتی، که کوشش کردند به مردم "تامبنده" تحمیل کنند و تا حدودی هم البته به موفقیت دست یافتند، انتشار و افشای اخبار و رویدادهای فاصله دو مرحله انتخابات، خیلی زودتر از آنچه ما انتظار داشتیم، صحنه واقعی را در برابر همگان قرار داد، که در نشریات متعلق به جناح چپ اپوزیسیون، پس از پایان انتخابات مشهود است. بهرحال مجموعه این تحلیل‌ها و نظرات منتشر شده در "راهنوده" را قطعاً مطالعه کرده و در جریان می‌باشید.

دکتر یزدی: بله، ما هم بر این عقیده‌ایم که انتخابات اخیر، یک حادثه بزرگ بود و بسیاری را غافلگیر کرد. فرق نمی‌کند، هم در دستگاه حکومتی و هم در میان منتقدان و مخالفان سیاست‌های حکومتی. خوشبختانه، در مطبوعات خارج از کشور هم، که من طی روزهای اخیر برخی از آنها را مطالعه کرده‌ام، چنین نتایجی مشهود است. آنچه که به ما، یعنی نهضت آزادی ایران مربوط می‌شود، اینست که شرکت ما در انتخابات، توانست راه را برای شرکت و حضور برخی نیروهای دیگر هموار کند. نهضت با اعتقاد به اینکه اکنون مبارزه سیاسی در ایران نیاز به یک مهندسی بسیار دقیق و حساب شده دارد سیاست حضور در انتخابات را پیش گرفت. دستاوردهای این حضور و شرکت را هم ما در یک بیانیه جمع‌بندی کرده و منتشر کرده‌ایم، که شما هم در نشریه خودتان بخش‌هایی از آنرا منتشر کرده‌اید. جنبش زنان در انتخابات اخیر، مسئله بسیار قابل توجهی بود، که شاید تا پیش از انتخابات از آن ارزیابی دقیقی در دست نبود. پذیرش و تحمل نمایندگان و کاندیداهای نهضت در جریان ثبت نام انتخاباتی نیز از جمله حوادث مهم در تاریخ این دوره از حیات جمهوری اسلامی است. بهرحال، محاسباتی را برای پذیرش کاندیداهای ما در انتخابات کرده بودند، که بتدریج متوجه شدند این محاسبات غلط است و اگر نهضت آزادی را به حال خود رها کنند، کاندیداهایش در صدر قرار خواهند گرفت. هر چه بیشتر با این حقیقت آشنا شدند، محدودیت‌ها و حذف‌ها را شدیدتر کردند، تا جایی که از لیست کاندیداهای مستقیم ما چیزی باقی نگذاشتند. این خود به خود یک پیروزی برای ما محسوب می‌شود. پیروزی حتماً این نیست که ما به مجلس راه پیدا کنیم. فراهم آمدن شرایط برای برآورد امکانات بالقوه نیز خودش یک پیروزی است. همین که خود حکومت مرحله به مرحله تصمیم اولیه خودش را برای شرکت دادن نهضت آزادی در انتخابات پس گرفت، در حقیقت یک پیروزی برای ما محسوب می‌شود، ولی اگر اطمینان داشتند ما رای نمی‌آوریم، می‌گذاشتند، بقول خودشان ما شرکت کنیم و سنگ روی یخ شویم. خیلی زود متوجه شدند، خیر وضع به گونه دیگری است. همین آمادگی حضور ما در انتخابات و مقاومت حکومت برای قطع ارتباط بیشتر ما با مردم نیز خودش به نوع دیگری به سود ما تمام شد. شما در همین انتخابات اصفهان و اردبیل و مشهد و تبریز دیدید، که هر کجا حکومت از داوطلبی حمایت کرد، مردم او را طرد کردند و هر کجا حکومت کسی را محروم کرد و رایزنی را باطل کرد، مردم او را انتخاب کردند و یا به نفع او موضع گرفتند. همین وضع و شرایط برای کاندیداهای نهضت آزادی نیز صادق است. بنابراین، ما مجموعه سیاست شرکت در انتخابات را مثبت و صحیح ارزیابی می‌کنیم. حتی برای شما بگویم، که اگر در برخی دوستان ما ه‌های آخر برخی تردیدها نیز بوجود آمده بود، با رسیدن اخبار مربوط به انتخابات مرحله اول و اعلام نتایج آن و سیاست ابطال انتخابات و مقاومت

ماه‌های اخیر می‌دیدیم. البته هستند سازمان‌ها و یا شخصیت‌هایی که همچنان در اسارت شناخت‌ها و ارزیابی‌های سال‌های گذشته باقی مانده‌اند و قادر به هضم و درک این جایگاهی‌ها نیستند. ما حتی بر این عقیده‌ایم که در فاصله ماه‌های گذشته، یک سلسله موضع‌گیری‌ها و جایگاهی‌های آرایش نیروها در جامعه و در حکومت روی داده‌است. این جایگاهی‌ها و تجدید نظر در مواضع، در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشهود است. تصور ما بر اینست که با رشد جنبش مردم برای عدالت اجتماعی و رشد جنبش برای آزادیخواهی، روند جایگاهی‌های مردم نظر شتاب هم به خود خواهد گرفت و جنبش متحدان جدیدی نیز خواهد یافت. این واقعیت حتی در همکاری‌های نوین میان نیروهای باقی مانده در حکومت و یا به حاشیه رانده شده حکومت نیز دیده می‌شود، در حالیکه این هر دو نیرو، گرایش‌هایی را نیز برای همفکری و همکاری با نیروهای نظیر نهضت آزادی، طرفداران علی شریعتی، متفکرین روشنفکر اسلامی، ملیون ایران و حتی پذیرش برخی نظرات و دیدگاه‌های حزب توده‌ایران، که در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب تدوین و اعلام شده بود، نشان می‌دهند.

دکتر یزدی- من با صراحت به شما می‌گویم، که طی چهار سال گذشته، جایگاهی‌های زیادی در آرایش نیروهای سیاسی ایران صورت گرفته‌است. تاکید می‌کنم، که برای اتخاذ هر نوع مشی و سیاستی، که برآیند واقعیات امروز ایران باشد، باید به این حقیقت توجه کرد. برخی از نیروها، شخصیت‌ها و گرایش‌ها به سمت گرایش دیگری رفته‌اند، برخی از مخالفان صفت و سخت آزادی‌های عمومی به موافقان آرام و متفکر این آزادی‌ها تبدیل شده‌اند، در طیف چپ نیز با توجه به تحولات روی داده در جهان برخی نگرش‌های نوین برای حفظ وحدت ملی و اقتصاد متکی به تولید ملی شکل گرفته‌است. ببینید، آنچه را که امروز بعنوان گرایش به تشکیل احزاب شما شاهد هستید و خبرهای مربوط به تلاش‌هایی در این عرصه اینطرف و آنطرف به بیرون درز می‌کند، بالاخره باید از یک مبداء و منشائی آب بخورد. این مبداء و منشاء همان نیازهای جامعه است، که خود را به همه ماها تحمیل می‌کند. یک شبه که فلان شخص و یا اشخاص خواب‌نما نشده‌اند که حزب درست کنند و یا به این نتیجه برسند که اگر حزب در مملکت باشد بهتر است. این حاصل و برآیند یک شناخت نوین از جامعه و نیازهای آنست. طبعا آن کس و یا کسان که زودتر این نیاز را درک کرده و خود را با آن تطبیق دهند، تیزبین‌تر از بقیه‌اند. بله، این حقیقت است، که بین بسیاری از نیروهای که تا چند سال و یا حتی همین چند ماه پیش از انتخابات خود را بی‌نیاز از یکدیگر می‌دانستند، الان رایزنی و بحث و گفتگو جریان یافته است. ما بعنوان نهضت آزادی این را پنهان نکرده و نمی‌کنیم که با برخی از نیروهای چپ مذهبی گفتگوی صادقانه داریم. آنچه را می‌پرسند صادقانه پاسخ می‌دهیم و آنچه را بنظرمان می‌رسد صادقانه با آنها در میان می‌گذاریم. این را از حکومت هم پنهان نکرده و نمی‌کنیم، زیرا حفظ مملکت و بقای جامعه بالاتر از این نوع ملاحظات است. شما بپذیرید که برخی از مانورهای حکومت در جریان ثبت نام انتخابات، برای مقابله با همین رایزنی‌های نیروهای مذهبی و ملی داخل کشور بود، که سعی کردند بین آنها مانور کرده و جلوی این نزدیکی را بگیرند. خوشبختانه حاصل انتخابات و عملکرد حکومت و جناح انحصار طلب و قدرت طلب آن نتیجه معکوس داده است و مشوق این نزدیکی‌ها شده‌است. ما هر جا که فرصت پیش می‌آید و گفتگو دست می‌دهد، می‌خواهیم و تقاضا می‌کنیم، که ضمن بررسی گذشته‌ها و طرح انتقادات و یا

تبیین نظر نهضت آزادی لحاظ شود، اما اساس نگرش نهضت و پایه‌های تحلیلی آن از اوضاع کنونی کشور تغییری نخواهد کرد. فضا را باید شکافت و جلو رفت. ما حرف و طرح و پیشنهاد و راه حل برای اوضاع کنونی داریم؛ مردم هم روز به روز بیشتر به راحل‌های جانشین فکر می‌کنند و تشکل‌هایی که چنین طرح‌ها و راه حل‌هایی را دارند بیشتر برای مردم مطرح هستند. مهم‌تر اینکه مردم اکنون دیگر طرفدار برخوردهای خشن و اصولا خشونت نیستند، از سلوک جریانات سیاسی که تحمل دیگران را دارند و حاضرند در همفکری عمومی مشارکت کنند، استقبال می‌کنند. نهضت آزادی اکنون دارای چنین مواضعی است و این درست در برابر سیاست‌های خشن شکست خوردگان در انتخابات اخیر و اصولا انحصارطلب‌ها و عاملین اصلی گرفتاری‌های امروز ایران است که هنوز به زور چوب و چماق و تهدید مردم و با دستگیری و زندان می‌خواهند مملکت‌داری کنند. شکم گرسنه را که با چوب و فلک نمی‌توان سیر کرد. دوره این اعمال و شیوه حکومت‌داری گذشته است، مردم چشم و گوششان باز شده است. ببینید چگونه در شهرهای کوچکی که اصلا فکرش را هم نمی‌شد کرد، در برابر فشار حکومت برای تحمیل نماینده مجلس ایستادند. اینها زبان گویای واقعیات است. حالا هر چه دلشان می‌خواهد چماقدار بریزند توی خیابان و به بهانه‌های مختلف دنبال زن و بچه‌های مردم توی کوچه پس کوچه‌ها بدوند، که چرا چندتا تار مویت بیرونه و یا چرا در سینما خندیدی و از این نوع حرف‌های پوچ و خنده‌دار. به اینها باید گفت، بروید ببینید و بررسی کنید، که چرا در شهرستان‌های کوچک، که زنده‌ای پیش از انقلاب هم چادر به سر داشتند و حالا هم دارند، به شما رای ندادند. بروید فکری به حال آن 600 هزار نفری کنید که در اصفهان در برابر شما ایستادند و چاره‌ای برای آینده بیانده‌اید. البته باز هم رفته‌اند دنبال همان چاره‌اندیشی‌های 17 ساله. برای انتخابات میان دوره‌ای در اصفهان، ابتدا استاندار اصفهان را عوض کرده‌اند و با چوب و چماق به جان مردم افتاده‌اند تا هیبت خودشان را نشان بدهند و مردم را یا خانه‌نشین کنند و یا وادارند به کاندیداهای آنها رای بدهند.

این نمایش هیبت، دانشگاه را هم شامل شده‌است. باید از آقایان سؤال شود، که دانشگاه اسلامی‌تر از این که هست یعنی چه؟ آن معیار را اعلام کنند تا بسنجیم ببینیم دانشگاه اسلامی است یا خیر. شما می‌بینید که اصلا صحبت از معیار نیست، فقط صحبت از تصفیه است و گرفتن و بستن. بنابراین کاملاً معلوم است که هدف چیز دیگری است. اگر معیار شرکت نکردن در سیاست، و گذاری سرنوشت خود به دست حامیان چماقداران امروز است، که این دیگر نامش اسلامی کردن نیست. این تبدیل دانشگاه به گورستانی است که فرقی با بهشت زهرا آنست، که در آنجا مردگانش خوابیده‌اند و در اینجا ایستاده‌اند، در آنجا حرکت نمی‌کنند و حرف هم نمی‌زنند، در اینجا حرکت می‌کنند، اما حرف نمی‌زنند. این یعنی سبزی با حقیقت و واقعیت پیش رو، که راه به هیچ کجا نمی‌برد، مگر شکل بخشیدن به خشونتی متقابل که همه ما باید از آن بیم داشته باشیم! من این اصطلاح را در دوران اخیر بارها در مصاحبه‌های خودم بکار برده‌ام، که «این کشتی که غرق می‌شود، همه ما سرنشینش هستیم».

- آرایش نوین نیروهای سیاسی در ایران برای ما هم بسیار مهم است. در واقع امر، نمی‌توان نیروهای سیاسی اعم از ملی، ملی-مذهبی، مذهبی و یا دگراندیش و چپ را از پشت همان عینکی دید که در سال‌های اول پیروزی انقلاب و یا حتی در

بحث، باید شرایط جدید جهانی، پایان یافتن بسیاری از پیش فرض‌های قدیمی و کهنه مربوط به اتحاد جماهیر شوروی، اختلافات گذشته، برخی تدریجی‌های دو سویه، از هر دو طرف و... را هم باید در نظر داشته باشیم. این مجموعه باید شرایط جدیدی را برای گفتگو با قدیمی‌ترین حزب سیاسی ایران فراهم آورد. حزبی که شما بعنوان رهبر یک حزب - مذهبی شاهد احترام آن به آرمان‌های مذهبی مردم و سنت‌ها و باورهای آنها بوده‌اید و شاهد بوده‌اید که از همان ابتدای انقلاب بهمین، موضع ملی خود را در برابر آن تدقیق کرده و اعلام داشت.

دکتریزدی-... اما درباره حزب توده ایران ما اعتقاد داریم که بهر حال نمی‌توان برخی مسائل گذشته را تماماً نادیده گرفت. مثلاً ما هنوز درباره روابط گذشته حزب شما با اتحاد جماهیر شوروی و برداشت از انترناسیونالیسم حرف داریم. برای بسیاری از دوستان ما، هنوز برخی سیاست‌های گذشته حزب توده ایران، مانند دوران ملی شدن نفت و دولت دکتر محمد مصدق مطرح است. ببینیم زمان و تحولات و بویژه موضع‌گیری‌های امروز پیرامون مسائل حادی که در جامعه مطرح است چه پیش خواهد آورد. البته همینجا بگویم که با فروپاشی اتحاد شوروی، بقول شما صورت مسئله عوض شده‌است و اندیشه‌های نو و ملی در مجموعه چپ در حال رشد است. اندیشه‌هایی که بر خلاف گذشته بیشتر نگاه به درون مملکت دارد. ما هم امیدواریم مشکل منافع ملی و برداشت‌هایی که از آن وجود دارد به آن صورت تاریخی دیگر وجود نداشته باشد و بروز نکند.

اما محور دوم در مناسبات نهضت آزادی و حزب توده ایران، مبانی فکری و اعتقادی است، که طبعاً اختلافاتی در این عرصه بین مارکسیسم و اسلام وجود دارد. البته اعتقاد نداشتن به مبانی دینی یک مسئله است، دین سنتی یک مسئله دیگر. چپ ایران، با تکیه بر استقلال، باید بجای اصرار و تکیه بر وجوه و ابعاد مخالفت‌های دینی خود، به وجه ایجابی عدالت خواهی و استثمار سنتی تکیه کند و حتی الامکان از بحث و درگیری و طرح مباحث عقیدتی و دین سنتی پرهیز نماید. به نظر می‌رسد اگر این سیاست خوب مطرح و پیگیری شود، در شرایط یک جامعه باز سیاسی مفید و موثر باشد. شما ببینید در کشورهای اروپای غربی، همین احزاب با آنکه نتوانسته‌اند دولت مستقل تشکیل دهند، اما توانسته‌اند چه نقش مثبتی در روندهای عدالت خواهی و ضد استثماری در کشورهای خودشان ایفاء کنند و در تعدیل و توزیع ثروت و بهبود وضع کارگران و قشرهای کم در آمد موثر واقع شوند. البته باز هم تأکید می‌کنم که چپ ایران برای حضور در جامعه چاره‌ای جز آستی با فرهنگ، سنت و اعتقادات مذهبی مردم ایران ندارد.

اما مسئله سوم احترام به اخلاق سیاسی است. البته نمی‌خواهم بگویم که این فقط مشکل حزب توده ایران است، بسیاری از جریان‌های سیاسی دیگر هم کم و بیش این مشکل را دارند. آنچه که مستقیماً به نهضت آزادی و حزب توده مربوط می‌شود، اینست که این اخلاق سیاسی در رابطه با دولت موقت و نهضت آزادی رعایت نشد، که جای بحث آن اینجا نیست و من هم مثل شما از مرور گذشته‌ها چندان خوشم نمی‌آید. اما شما ببینید در همین انتخابات اخیر هم در روزنامه مردم، که ارگان رسمی حزب توده ایران است، باز هم همان بی‌توجهی به اخلاق سیاسی تکرار شده است. منظورم طرح اخبار و شایعاتی است که پایه و اساس نداشته‌است. نظیر دیدار و سازش بنده با آقای هاشمی رفسنجانی و یا آقای شیخ محمد یزدی و غیره که بکلی نادرست و بی‌اساس است.

گله‌ها، درباره جهان امروز و مراحل‌های جانشین برای وضع موجود مملکت حرف بزنند و طرح مدون ارائه بدهند. بالاخره حتی اگر اپوزیسیون هم باشیم و بخواهیم حکومت کنیم، باید به مردم بگوئیم که درباره نان و آب و مسکن و گرانی و تورم و آزادی و مشکلات فرهنگی و جوانان و زنان و ورزش و ده‌ها مسئله اجتماعی دیگر چه حرف و طرحی داریم. برای بدهکاری عظیمی که برای مملکت بوجود آورده‌اند و استقلال آنرا با خطر جدی روبرو ساخته‌اند، چه فکر و طرحی داریم. این باید رسماً گفته شود، تا معلوم شود تا کجا با هم همراهیم و با هم توافق داریم. در این صورت می‌توانیم بر سر آن نکاتی هم که توافق نظر نداریم، بحث را ادامه دهیم تا راه حلی پیدا شود. بالاخره این مملکت مال همه ماست و ما هم می‌خواهیم در آن زندگی کنیم. این بحث با کسانی است که بیرون و یا در حاشیه حکومت قرار دارند و بخشی هم طیف چپ شناخته می‌شوند. درباره حکومت وضع البته تفاوت می‌کند. سیاست‌های حکومت، حاصلش همین است که می‌بینید و آنها هم خودشان می‌بینند، گرچه به روی خودشان نی‌آورند. آنها که از سیاست‌های سال‌های گذشته فاصله گرفته و حاضر به تعدیل نظرانشان بشوند و نوعی تفاهم و اتحاد سیاسی را در عمل ببینند، در کنار همین میز گردی قرار می‌گیرند که اکنون ما با طیف چپ و مقدان حکومت در داخل ایران پشت آن نشسته و می‌نشینیم. چپ هم باید طرح خود را، و نه فقط حرف و انتقاد و حاشیه پردازی، رسماً ارائه بدهد. ما هم موظفیم دیدگاه‌های خود را دقیق‌تر کرده و با جزئیات در اختیار همگان بگذاریم. با این طرح‌ها و برنامه‌ها باید در انتخابات، که فرق نمی‌کند میان دوره‌ای باشد یا ریاست جمهوری و یا هر نوع انتخاب دیگری شرکت کرد، تا مردم هم بدانند به کی و برای چی رای می‌دهند. ما بر این عقیده‌ایم، که رای نهضت آزادی به دلیل شناختی که مردم از دیدگاه‌های آن دارند، رای شناخته شده‌ایست، که روز به روز به آن افزوده هم می‌شود. آخرین ارزیابی ما از انتخابات اینست، که بخش قابل توجهی از آن آرائی که به کاندیداهای مؤتلفه اسلامی و روحانیت همسو با آن داده نشد، در حقیقت رای به دیدگاه‌های نهضت آزادی برای اداره مملکت است. از آن آراء که به صندوق‌ها ریخته نشده نیز، بخشی قابل توجهی باید متعلق به دیدگاه‌های نهضت آزادی باشد. ما نمی‌خواهیم بگوئیم، که مردم در جریان همین انتخابات رفتند پای صندوق‌های رای و نوشتند "نهضت آزادی" و یا فلان و ایسته به آن، بلکه می‌خواهم بگویم، طرح و اندیشه ما امروز خواست مردم است و بخشی از آراء ریخته شده و ریخته نشده به صندوق‌های رای، که در مخالفت با وضع موجود در کشور بوده، در حقیقت و در کیفیت و کمیت خود رای به نهضت آزادی ایران بوده‌است.

- ما ضمن احترام به این ارزیابی شما، البته نظرات خودمان را هم در این باره داریم، که تاکنون گفته و نوشته‌ایم و بعداً هم خواهیم گفت و نوشت. اما از آنجا که می‌خواهیم بیشتر با تحلیل و نقطه نظرات شما آشنا شویم، ترجیح می‌دهیم بحث را همین‌گونه ادامه دهیم. به همین دلیل می‌خواهیم بدانیم ارزیابی شما از چپ غیر مذهبی در ایران، همکاری و همکاری و همفکری با آن، و پیشاپیش همه آنها با حزب توده ایران چگونه است. حال که از رایزنی‌ها و گفتگوهای نهضت آزادی در داخل کشور با طیف چپ مذهبی گفتید، اشکالی نمی‌بینیم که این بخش را هم تدقیق کنیم و با همان صراحتی که به آن اشاره کردید بطرف آینده برویم. با توجه به اینکه حزب توده ایران پیوسته دارای برنامه و طرح و پیشنهاد برای مراحل مختلف تحولات اجتماعی بوده و هست. البته در این

دکتر یزدي- ابتدا درباره این قسمت دوم بگویم، که ماجرای انتخابات بسیار روشن‌گر بوده‌است. این ارزیابی تنها متعلق به ما نیست. مثلاً برخی دوستان ما که در گروه "تلاشگران انتخابات آزاد" فعالیت می‌کردند و تا آستانه انتخابات نیز تلاش داشتند، در آن حضور فعال و مستقیم داشته باشند، اکنون بر همین عقیده‌اند. اتفاقاً جریان‌ات قدرتمند حکومتی و یاران همسو با آن نیز به این نکته واقف شده‌اند و به همین دلیل تلاش می‌کنند انتخابات میان دوره‌ای مجلس خیلی بی‌سر و صدا و با حداقل آراء و حداکثر نتیجه مطلوب برگزار شود. آن اختلاف دیدگاه‌ها، که به آن اشاره کردید نیز بر پایه همین رویدادها باید حل شود و در این جهت تلاش‌ها نیز جریان دارد که امیدواریم بزودی به نتیجه مطلوب برسند. ما در تهران و پیش از حرکت برای این سفر، با یکی از آقایان که بسیار هم رادیکال مسائل را مطرح می‌کند، ملاقات و گفتگو کردیم. به ایشان هم گفتیم، همه آنچه که شما می‌گوئید درست، اما طرح جایگزین شما برای همه این مجموعه مشکلات که برمی‌شمارید چیست؟ انفجار و قیام سراسری و خونریزی که راه حل نیست. طرح‌های مدون خودتان را بگوئید و به معرض افکار عمومی بگذارید، اگر انفجار و قیام و خونریزی برای طرفداری و حمایت آگاهانه از این طرح‌ها صورت گرفت، آنوقت وضع جور دیگری است، والا انفجار کور که راه به جایی نمی‌برد، مگر اینکه همین استقلال کنونی کشور هم، که در بخش اقتصادی و بدهکاری‌های بالا آمده برای آن زیر علامت سؤال رفته، بیشتر زیر علامت سؤال خواهد رفت. امیدواریم پس از بازگشت به ایران، همین نوع رایزنی‌ها ادامه یافته و به نتایج مطلوب هم برسند.

نهضت آزادی ایران معتقد است دیدار و گفتگوی رهبران احزاب مخالف با مقامات دولتی بخشی از مقررات مبارزه سیاسی علنی و قانونی است و هر دیدار و گفتگوی هم‌سازش محسوب نمی‌شود. این‌گونه قضاوت از جانب مبارزان سیاسی قدیمی به هیچ‌وجه قابل قبول نیست. البته اگر روزی ضرورتی برای دیدار با مقامات دولتی پیش بیاید و صورت بگیرد، نهضت آزادی شهادت آن را دارد که با صراحت آن را اعلام نماید. می‌خواهم بگویم جریان‌های سیاسی اصیل و پیشینه‌دار، اصولاً نباید از این نوع شیوه‌های تخریبی استفاده کنند. البته ما می‌دانیم که چپ غیر مذهبی ایران هم در حال تحولات درونی است و سیاست‌هایی که به نام حزب شما در روزنامه مردم مورد بحث قرار می‌گیرد، احتمالاً همه آنها مورد قبول همه اعضای حزب شما در داخل و یا خارج کشور نیست، همین نظراتی که از جانب شما در این دیدار مطرح شده، خوب با آن چیزهایی که مردم ["نامه مردم"] درباره انتخابات و نهضت آزادی نوشته تفاوت دارد، اما بهر حال خواستم بگویم که احترام به اخلاق سیاسی می‌تواند برخی مشکلات را حل کند و یا اصولاً بوجود نیآورد. نهضت آزادی ایران در مجموع خودش اعتقاد دارد که چپ ایران نیز در معرض چالش‌های جدید است، ضمناً ما اصلاً اعتقاد نداریم که تفکر چپ را می‌توان در ایران ریشه‌کن کرد و یا ریشه آن کنده شده است. نخیر این‌نه واقعیت است و نه می‌توان با این واقعیت به گونه‌ای روبرو شد که در گذشته روبرو شده‌اند. امید ما اینست که چپ با نزدیکی بیشتر به جامعه و فرهنگ ملی مردم ایران واقع‌بینانه عمل کند.

- شما خوب می‌دانید که یکی از اتهامات حزب ما و کارزار تبلیغاتی که در این 17 سال اخیر علیه آن راه انداختند، همین واقع‌بینی بوده‌است؛ تا آنجا که به کنایه رهبران آنرا آیت الله نام گذاشته بودند. شما می‌دانید که با توجه به همین واقعیات جامعه ایران بود، که نخستین رهبر حزب توده ایران، سلیمان میرزا اسکندری بود، که مسلمانی معتقد و روشنفکر بود و حتی یکبار آیت الله خمینی هم در یکی از سخنرانی‌هایش اشاره کرد، که با او در سفر حج بوده‌است.

دکتر یزدي- بگذارید برایتان از مشاهدات و خاطرات خودم بگویم. من بسیار جوان بودم، که به جنبش ملی پیوستم. یادم هست، که در تمام 10 روز اول ماه محرم، در دو طرف در بزرگ و رودی کلوپ حزب توده ایران در خیابان فردوسی، پارچه سیاه، با آیه‌هایی از قرآن کریم نصب می‌شد. در روزنامه "مردم" هم به مناسبت‌های مذهبی، نه تنها مقالات مذهبی نوشته می‌شد، بلکه در صفحه اول آن نوار سیاه و یا برخی مضامین مذهبی چاپ می‌شد.

- برخی خبرهایی که عمدتاً هم از سوی رادیوهای فارسی زبان به آن دامن زده می‌شود، مربوط به برخی اختلاف دیدگاه‌ها بین نهضت آزادی و دیگر احزاب و نیروهای ملی است. ما از این بابت عمیقاً متأسفیم و اعتقاد داریم که هر چه سریعتر در جهت حل این تفاوت دیدگاه‌ها اقدام شود، بهتر است. خوشبختانه زمینه این تفکر و باور را در دیدار اخیر با خانم "پروانه فروهر" نیز شاهد بودیم. در واقع نتایج انتخابات اخیر، باید در این عرصه نیز برخی ناهمواری‌های دیدگاهی را هموار کرده باشد. هم از سوی کسانی که شرکت در کارزار انتخاباتی را مفید نمی‌دانستند و هم از سوی کسانی که شرکت در آن را مفید می‌دانستند.